



فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ۴، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲

صفحات ۳۹ الی ۷۰

زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) و سیاست کیفری ایران در قبال این جرم

عبدالرضا جوان جعفری^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۰۴

صادق صفری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۲۵

مسعود جوادی هدایت‌آباد^۳

چکیده

زمینه و هدف: قاچاق انسان به‌عنوان جرمی که ارتکاب آن با نقض حقوق بنیادین بزه‌دیده، شأن و حیثیت انسان نادیده گرفته می‌شود امروزه روند روبه‌رشدی دارد و هیچ کشوری از این معضل، مصون نیست. منافع سرشار حاصل از این فعالیت مجرمانه، موجب ورود باندهای مجرمانه فراملی به این عرصه شده است. هدف مقاله حاضر، بررسی و تبیین زمینه‌های قانون مبارزه با قاچاق انسان سال ۱۳۸۳ و تشریح سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در رابطه با این قانون است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع تألیفی به زبان اصلی (انگلیسی)، کتاب‌ها و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای، سیاست‌های اینترنتی، قوانین مدون داخلی و خارجی و اسناد بین‌المللی نگاشته شده است.

یافته‌ها: سیاست تقنینی ایران برای مقابله با این جرم در دوران قبل از انقلاب اسلامی محدود به پذیرش و امضاء برخی معاهدات بین‌المللی و تدوین قوانینی پراکنده بوده است. بعد از انقلاب اسلامی

۱. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: sadeghsafari@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.



مهم‌ترین تحول، تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ است که عمده‌تأ نشأت گرفته از مصوبات بین‌المللی و فشار رسانه‌ها و افکار عمومی داخلی است. قاچاق انسان محل تلاقی حقوق بشر، حقوق کیفری، حقوق مهاجرت و حقوق کار است و این وجوه چندگانه، تنظیم سیاست جنایی و کیفری سنجیده و جامع را در مورد آن مشکل می‌کند.

نتیجه‌گیری: این جرم تهدیدی جدی نسبت به نظم عمومی و امنیت ملی کشور، و کرامت ذاتی انسان می‌باشد. مجازات‌های تعیین شده در قانون مبارزه با قاچاق سال ۱۳۸۳ از تناسب چندان‌ی با جرم برخوردار نیستند. از سویی تدابیر مکفی برای حمایت چند منظور از بزه‌دیدگان این جرم نیز در حال حاضر اتخاذ نشده است.

واژگان کلیدی: قاچاق^۱، قاچاق انسان^۲، بردگی^۳، سیاست کیفری^۴، بزه‌دیده^۵.

مقدمه

قرن‌ها پیش، زمانی که بشر بر اثر زیاده‌خواهی و افزایش تمایلات مادی خویش در پی برتری جویی برآمد، انگیزه استفاده از تلاش و بهره دیگران به‌عنوان یکی از نکات تاریک پرونده بشر ثبت گردید. آنجا بود که تلاش انسان برای ارتقاء بیشتر صنعت و در جهت استیلاجویی بر ابناء بشر آغاز شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۴۷). با توجه به الغای نظام برده‌داری در قرون ۱۸ و ۱۹، در حال حاضر، برده‌داری با شیوه‌ای متفاوت نسبت به گذشته در قالب قاچاق انسان، نمود و بروز یافته است. امروزه در عمل، استعمار و بهره‌کشی از انسان‌ها، به‌خصوص اطفال و زنان، نه تنها کمتر از دوره برده‌داری نیست، بلکه در قالب قاچاق انسان، موضوع و دامنه جغرافیایی آن توسعه یافته است. امروزه قاچاق انسان^۶ در جهان کنونی ابعاد بسیار هراس‌انگیزی پیدا کرده است. به‌طوری‌که اگر

1. Trafficking.
2. Human trafficking.
3. Slavery.
4. Penal policy.
5. Victim.
6. Human trafficking



در گذشته، هدف اصلی برده‌فروشان استفاده از نیروی کار بردگان بود، در حال حاضر؛ استفاده از اعضاء و جسم آن‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته و موجب شده است که از قاچاق انسان به‌عنوان برده‌داری نوین^۱ یاد شود. هر چند علی‌الاصول به لحاظ ماهیت و نحوه ارتکاب برخی جرایم همچون قاچاق انسان آمار دقیقی از میزان این جرایم در جهان ارائه نمی‌شود و رقم سیاه^۲ در خصوص این جرم بالاست، اما سازمان‌های بین‌المللی فعال در این زمینه گزارش داده‌اند که سالانه ۲ میلیون نفر قاچاق می‌شوند. طبق آمار این سازمان‌ها تخمین زده می‌شود که از دهه ۱۹۷۰ حدود ۳۰ میلیون زن و کودک قاچاق شده‌اند (اسمارت، ۲۰۰۳: ۱۶۸). همچنین براساس اعلام یوروپل، سالیانه صدها هزار بزه‌دیده این جرم به کشورهای اروپایی به‌منظور بهره‌کشی جنسی و کار وارد می‌شوند که برخی میزان آن را در سال ۲۰۰۶ حدود ۲/۵ میلیون نفر در دنیا تخمین می‌زنند (کلارا، ۲۰۰۶: ۲۲۹).

مبانی نظری

سیاست کیفری: اصولاً اعمال مجرمانه به‌عنوان پدیده‌ای ضداجتماعی دارای آثار منفی بر جامعه‌اند که قاچاق انسان هم از این اصل کلی مستثنی نیست. جوامع، برای احتراز از عواقب ناشی از جرایم، سیاست و برنامه‌ای در جهت کنترل بزهکاران پی‌ریزی می‌کنند. این برنامه‌ها از طریق سرکوبی محض یا همراه با اقدام‌ها و تدابیر خاص پیشگیری از بزهکاری می‌باشد که در قوانین کیفری متبلور می‌شود. مهم‌ترین مرحله از سیکل کیفری، مرحله ارزش‌گذاری یا تنظیم سیاست کیفری در قبال جرایم می‌باشد. این مرحله مشتمل بر وضع قوانین در خصوص تعیین جرایم و نوع پاسخ‌های موجود و

1. Modern slavery

۲. رقم سیاه بزهکاری عبارت است از نسبت میان بزهکاری قانونی (تعداد محکومان) و بزهکاری ظاهری (تعداد پرونده‌های ارجاعی از سوی پلیس به دادسرا) به بزهکاری واقعی (یعنی تعداد جرایمی که عملاً ارتکاب یافته و میزان و ماهیت آن مبهم و ناشناخته است) یعنی فاصله موجود بین بزهکاری ثبت شده و بزهکاری واقعی را گویند.



حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. از این منظر، سیاست کیفری بیانگر دیدگاه‌ها و روش‌های اتخاذی از سوی مقنن به‌منظور کنترل جرم، حفظ نظم جامعه و حقوق افراد و دولت است.

قاچاق انسان

قاچاق، برگرفته از واژه ترکی «قاچماق» به معنای گریزانیدن، فرار و ترک وطن است. قاچاق هم در معنای اسم مصدر آمده و هم در معنای اسم آلت^۱ (عمید، ۱۳۶۲: ۷۸۴). در ترمینولوژی حقوق در تعریف قاچاق آمده است: «حمل‌ونقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای، خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد، قاچاق داخلی و خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را قاچاق خارجی می‌گویند، برخلاف مقررات مربوط به حمل‌ونقل به‌طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۵۱).

در میان مصادیق مختلف قاچاق، قاچاق انسان^۲ و قاچاق مهاجران^۳ تشابه زیادی با یکدیگر دارند که در برخی موارد تمیز آن‌ها از یکدیگر مشکل است. از جمله وجوه تشابه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: موضوع هر دو جرم، افراد بشرند؛ و در هر دو غالباً افراد از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته قاچاق می‌شوند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۳). اما در خصوص جهات افتراق این دو جرم، رضایت بزه‌دیده می‌تواند در تمیز این دو از یکدیگر کمک کند. چراکه در قاچاق مهاجران، بزه‌دیده از روی عمد و حتی گاه با پرداخت پول، خود را در اختیار قاچاقچیان قرار می‌دهد تا وی را قاچاق کنند، درحالی که در قاچاق انسان، بزه‌دیده رضایت ندارد و یا این که (همان‌طور که در ادامه خواهد آمد) رضایتش از طریق اعمالی مانند اجبار، فریب و تهدید تحصیل شده است که به‌منزله عدم وجود

۱. در معنای اسم مصدر، یعنی انجام دادن کاری برخلاف قانون و به‌نحو پنهانی، و در معنای اسم آلت، متاعی است که معامله یا ورود آن به داخل کشور ممنوع است.

2. Trafficking of human beings

3. Smuggling of migrants



رضایت واقعی است. همچنین قاچاق مهاجران با ورود به مقصد پایان می‌یابد، درحالی‌که در قاچاق انسان، ورود به مقصد یک کار ابتدایی است و پس از آن، بزه‌دیده وادار به کار اجباری، بردگی، فحشاء یا مشابه آن می‌شود (کولایی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). بزه‌دیدگان قاچاق انسان بیشتر زنان و کودکان هستند و ممکن است به‌طور قانونی به سرزمین دولتی وارد شوند تا در آینده مورد بهره‌کشی قرار گیرند؛ درحالی‌که در قاچاق مهاجران حتی می‌توان ادعا کرد که بزه‌دیدگان بیشتر، پسران و مردان جوانی هستند که در آرزوی یک زندگی برتر و یافتن کار یا تحصیلات دانشگاهی و ... در خارج از کشور می‌باشند. استفاده از وسایل غیرقانونی برای ورود به کشور دیگر بیشتر رواج دارد. ازاین‌رو، پیشگیری از قاچاق انسان در مقایسه با قاچاق مهاجران، مشکل‌تر است (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۰). در نهایت باید گفت قاچاق مهاجران، جنبه فراملی دارد، حال آنکه قاچاق انسان می‌تواند در داخل یک کشور و به‌صورت قاچاق بزه‌دیده از یک نقطه به نقطه دیگر اتفاق افتد (موثقی، اسفندیاری، ۱۳۸۷: ۲۹۰).

بیان اهمیت موضوع

مقدمه فوق‌بیانگر این مطلب است که باتوجه به دامنه آثار و پیامدهای ناگوار و نگران‌کننده قاچاق انسان، مبارزه با این پدیده امری بدیهی است. چراکه ارزیابی‌های مستند گویای این است که ۱۱/۵ میلیون نفر برده حاصل چندین قرن برده‌داری بوده است ولی ۳۰ میلیون نفر زن و کودک که با مقاصد جنسی قاچاق شده‌اند تنها حاصل یک دهه اعمال تبه‌کارانه باندهای مخوف قاچاق انسان است (کروستی، ۲۰۰۰: ۲۶ ژوئن). قاچاق انسان به‌عنوان یکی از جرایم سازمان‌یافته پس از تجارت مواد مخدر و اسلحه، با سودآوری سالیانه ۵ تا ۷ بیلیون دلار پرسودترین تجارت جهان است. سازمان بین‌المللی کار سود سالیانه جهانی از قاچاق انسان را فقط در زمینه بهره‌کشی جنسی تجاری، حدود ۲۸ میلیون دلار ارزیابی می‌کند. با توجه به گسترش روزافزون قاچاق انسان برای مقابله با این پدیده شوم علاوه بر وضع قوانین داخلی در هر کشوری، نیاز به عزم بین‌المللی و همکاری فراملی دولت‌ها است.

در همین راستا، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و جهان بین‌الملل با درک اهمیت

موضوع، برای مبارزه با این پدیده و حمایت از بزه‌دیدگان جرم به تنظیم اسناد فراملی مبادرت کردند و بسیاری از کشورها هم با تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه و برای پرهیز از پیامدهای ویران‌کننده قاجاق انسان، با جرم‌انگاری رفتار مزبور به مبارزه با آن برخاستند، تا جایی که به‌جز کشور استونی، در قاره اروپا تا سال ۲۰۰۹، همه کشورهای اقدام به وضع قوانینی در این خصوص کردند. مقنن ایران نیز، در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاجاق انسان را بدون هیچ سابقه قانون‌گذاری مستقلاً در این زمینه برای اولین بار تصویب کرد تا ضمن همسو شدن با تحولات بین‌المللی، خلأهای موجود در برخورد با این جرم را هم پوشش داده باشد.

پیشینه و تاریخچه تحقیق

در خصوص قاجاق انسان مقالات و پژوهش‌های متعددی وجود دارد که از زوایای مختلف به بررسی و تحلیل این پدیده پرداخته‌اند که در این قسمت تنها به معرفی بخشی از آنها پرداخته می‌شود. کولایی در سال ۱۳۸۶ در مقاله‌ای با عنوان «عوامل و انگیزه‌های قاجاق انسان با تأکید بر آسیای مرکزی» به این نتیجه رسید که قاجاق انسان در کشورهای مختلف همواره با انگیزه و شیوه خاصی واقع نمی‌شود. در سال ۱۳۸۸ حبیب‌زاده و همکاران در پژوهشی با عنوان «قاجاق انسان در حقوق کیفری ایران» به تحلیل و ارزیابی قانون مبارزه با قاجاق انسان پرداخته و ضمن اشاره به ابهامات و نواقص این قانون، پیشنهادهاتی در خصوص اصلاح این قانون ارائه می‌دهند. «قاجاق انسان و بررسی آن از دیدگاه فقهی» عنوان مقاله دیگری است که فهرستی و سرچمی در سال ۱۳۸۸ در آن پس از بیان سیاست تقنینی ایران در خصوص قاجاق انسان به تحلیل این قانون بر مبنای فقهی پرداخته‌اند. پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۸ توسط بیابانی و محمودی با عنوان «مهاجرت غیرمعارف و قاجاق انسان» صورت گرفت و در آن این دو پدیده به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه شدند. همچنین عینی در سال ۱۳۹۰ پژوهشی در زمینه قاجاق انسان به صورت تطبیقی بین حقوق ایران و آلمان انجام داد و در آن به مقایسه ارکان تحقق این جرم در دو کشور مذکور پرداخته است. در سال ۱۳۹۰ پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی رکن معنوی قاجاق انسان با نگاهی به اسناد



بین‌المللی» توسط اولادی در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی به راهنمایی جوان جعفری در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شد که در آن رکن معنوی این جرم مورد تحلیل قرار گرفته است.

چگونگی پیدایش اولین قانون مستقل ایران در زمینه مبارزه با قاچاق انسان

در این قسمت به سوابق جرم‌انگاری ایران در خصوص مبارزه با قاچاق انسان پرداخته می‌شود و راهکار قضات برای مقابله با این پدیده را در دوره قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان بررسی خواهیم کرد و در یافته‌های تحقیق به زمینه‌ها و عوامل مؤثری که باعث شد قانون‌گذار ایران در خصوص قاچاق انسان به تدوین قانون مستقلی اهتمام ورزد اشاره خواهد شد.

سوابق جرم‌انگاری و سیر قانون‌گذاری

در مجموعه قوانین قبل از انقلاب اسلامی ایران، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به‌عنوان اولین قانون مدون جزایی کشور ایران^۱ توسط قوه قانون‌گذاری می‌باشد که به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در سال ۱۳۵۲ اصلاح شد. بند «ب» ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به‌صورت غیرمستقیم و ضمنی یکی از مهم‌ترین اشکال قاچاق، یعنی قاچاق برای بهره‌کشی جنسی را جرم‌انگاری کرده بود.^۲ در این

۱. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و متمم آن جمعاً دارای ۲۸۹ ماده است که از ماده ۱ تا ماده ۱۶۹ در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۰۴ و از ماده ۱۷۰ تا ماده ۲۸۰ در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۰۴ و از ماده ۲۸۱ تا ماده ۲۸۸ در تیر ۱۳۱۰ به تصویب رسید.

۲. هر کس زنی را با علم به اینکه آن زن در خارجه به فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه تشویق کند و یا مسافرت او را به خارجه تسهیل نماید و یا او را ولو با رضایت خودش به خارجه ببرد و یا برای رفتن آنجا اجیر کند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم می‌شود اگرچه اعمال مختلفی که مبنای جرم محسوب می‌شود در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد. در موارد ذیل مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد: - در صورتی که زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد ۲ - در صورتی که مرتکب برای انجام مقصود خود به عنف یا تهدید متوسل شده باشد - هر گاه مرتکب یکی از اشخاص مذکور در قسمت اخیر



راستا مواد ۹۵۹ و ۹۶۰ قانون مدنی^۱ به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاویزهای قانونی است که طی آن هرگونه اقدام (حتی با رضایت افراد) که همراه با از دست دادن حقوق فرد باشد، ممنوع بود.^۲ این مواد هرچند در مقام تعیین مجازات نبودند ولی تقریباً در ۹ ماه بعد زمینه‌ساز تصویب قانون منع خریدوفروش برده در خاک ایران و آزادی برده‌ها در موقع ورود به مملکت^۳ شدند. قانون مذکور یکی از نخستین قانون‌هایی است که صریحاً به پیکار با برده‌داری و خریدوفروش انسان پرداخته است.^۴ به‌نظر می‌رسد از این قانون می‌توان به‌عنوان شاهکار قانون‌گذاری ایران در دوره قبل از انقلاب در خصوص قاچاق انسان نام برد، زیرا قانون‌گذار به جرم‌انگاری هرگونه اقدام مالکانه نسبت به انسان مانند: خریدوفروش، اجاره و سوءاستفاده از انسان پرداخته است (باقرپوریان، ۱۳۸۳: ۱۵۱)، از این‌رو هرگاه روشن می‌شد پدر و مادری، دختر خود را هر چند با تعیین مهریه به

بندالف ماده ۲۰۷ باشد مجازات او حبس با کار اجباری از دو تا پنج سال خواهد بود. در مورد بند ب این ماده شروع به ارتکاب نیز قابل مجازات است.

۱. تاریخ تصویب جلد اول قانون مدنی، هجدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ است.

۲. ماده ۹۵۹ - هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طورکلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰ - هیچ‌کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا درحدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف‌نظر نماید.

۳. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم بهمن ماه ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۴. طبق این ماده واحده - در مملکت ایران هیچ‌کس به‌عنوان برده شناخته نشده و هر برده به مجرد ورود به خاک یا آبهای ساحلی ایران آزاد خواهد بود هر کس انسانی را به نام برده خریدوفروش کرده یا رفتار مالکانه دیگری نسبت به انسانی بنماید یا واسطه معامله و حمل‌ونقل برده بشود محکوم به یک تا سه‌سال حبس تأدیبی خواهد گردید.

تبصره - هر یک از مأمورین دولتی مکلف است به محض اطلاع یا مراجعه کسی که مورد معامله یا رفتار بردگی شده است فوراً وسائل استخلاص او را فراهم آورده برای تعقیب مجرم به نزدیکترین پارک‌ه بدایت اطلاع دهد.



ازدواج دیگری در آورده اما در عمل فروخته یا بخشوده باشند، طبق این ماده واحده بزهکار بودند. به‌طور کلی در قوانین قبل از انقلاب ایران به مسئله قاچاق انسان از منظر یک جنایت سازمان یافته فراملی نگریسته نشده و مجازات‌های سبک و غیرکافی، فاقد قدرت بازدارندگی است و بسیاری از همین قوانین هم به‌دلیل رواج فساد اخلاقی، اعمال منافعی عفت و روسپیگری^۱، در مرحله عملی شدن و اجرا، عقیم می‌ماند (فهرستی و سرچمی، ۱۳۸۸: ۲۰۳ - ۲۰۵).

پس از انقلاب اسلامی ایران، قوانین خصوصاً در زمینه کیفری تغییرات زیادی کرد تا جایی که قانون مجازات عمومی، جای خود را به قانون راجع به مجازات اسلامی داد و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی (قانون فعلی ایران) تصویب شد که باز هم خلأ موجود در قوانین قبلی در خصوص این جرم برطرف نشد و همان موادی که در قانون ۱۳۶۱ تا حدودی شاید به قاچاق انسان مرتبط بود در خصوص جرم قوادی^۲، در قانون ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تکرار شد^۳.

در خصوص قاچاق انسان، قوانین خاصی نیز وجود داشتند که به‌طور ضمنی و جزئی به این جرم اشاره داشتند از جمله: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب

۱. به‌عنوان مثال؛ انواع و اقسام قمارخانه در شهرهای مختلف کشور ظاهر شدند، که در اکثر آنها نیز اعضای خانواده شاه به‌نحوی مشارکت داشتند. جزیره کیش هم با خرج مبالغی هنگفت و اختلاس از خزانه مملکت تبدیل به تفریحگاهی شد که در آن زنان از نقاط مختلف کشور به آنجا آورده می‌شدند تا میلیاردرها بتوانند از آن برای گذراندن دوره تعطیلات خود استفاده کنند.

2. Pimp or Bawd

۳. ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اشعار می‌دارد: قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط.

همچنین ماده ۱۳۸ این قانون اشاره دارد: حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است.



۱۳۸۱ که ماده ۲ این قانون^۱ به این جرم اشاره‌ای جزئی داشت؛ همچنین موافقتنامه همکاری امنیتی بین دولت ایران و ایتالیا^۲ بود که در ماده ۱ این مصوبه، دو کشور تعهد می‌کردند به منظور تضمین امنیت و مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی در تمامی اشکال آن، در چندین زمینه از جمله قاچاق انسان، با یکدیگر همکاری نمایند (باقرپوریان، پیشین: ۱۵۸-۱۶۲). به‌هرحال با توجه به اینکه قوانین و مصوبات مذکور از جامعیت و کمال مورد نظر در مورد تمامی جوانب قاچاق انسان بهره‌مند نبودند و موادی از قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم علیه اشخاص از جمله آدم‌ربایی، قوادی، طفل‌ربایی و... نیز خلأ قانونی شدیدی که در مبارزه با تجارت انسان در ایران بود را پوشش نمی‌داد، باعث شد تا سرانجام برای اولین بار شاهد تصویب قانونی مستقل موسوم به قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ تصویب باشیم.

اما چه عواملی باعث شد که قانون‌گذار ایران به یکباره در این خصوص دست به تدوین و وضع قانون مستقلی بزند که در مجموعه قوانین ایران سابقه‌ای نداشته است؟ آیا فشارهای کنوانسیون‌ها و مصوبات منطقه‌ای و بین‌المللی علت آن بوده یا عوامل داخلی در این امر دخیل بودند؟ مقنن ایران در وضع این قانون از چه منابعی استفاده کرده و به چه منابعی تکیه داشته است؟

روش تحقیق

اصولاً در خصوص هر جرم و پدیده مجرمانه‌ای یک‌سری زمینه‌ها و عوامل وجود دارند

۱- ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق ممنوع و مرتکب حسب مورد، علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۲. این موافقتنامه در شهر رم به تاریخ نهم آبان ماه ۱۳۸۱ مطابق با سی و یک اکتبر سال ۲۰۰۲ میلادی به امضاء رسید که این موافقتنامه مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سیزده ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و سوم دی ماه ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی تصویب شد.



که سبب می‌شوند قانون‌گذاران با توجه به آنها اقدام به جرم‌انگاری کنند. در بررسی هر پدیده مجرمانه‌ای، درک زمینه‌های جرم‌انگاری می‌تواند اهمیت فراوانی داشته باشد و از آنجاکه پژوهش‌ها و تحقیقات به عمل آمده در خصوص قاچاق انسان (همان‌طور که در قسمت پیشینه تحقیق به برخی از آنها اشاره شد) هیچ یک به زمینه‌های تصویب این قانون اشاره ندارند، لذا نگارندگان در این مقاله، در درجه اول در پی آن هستند که پس از بیان خلاصه‌ای از سیر تحولات قانون‌گذاری، به بررسی دقیق زمینه‌ها و عوامل مؤثر در وضع قانون مستقل و بی‌سابقه‌ای در این خصوص بپردازند و سپس بیان دارند آیا فشار کنوانسیون‌ها و مصوبات منطقه‌ای و بین‌المللی علت تصویب آن بوده یا عوامل اجتماعی داخلی در این امر دخیل بوده‌اند و یا اینکه می‌توان فلسفه وجودی دیگری برای تصویب این قانون تصور نمود؟ آیا سیاست کیفری ایران برای مبارزه با قاچاق انسان با توجه به ماهیت آن به اندازه کافی سختگیرانه است؟ این سیاست از چه مبنا و الگویی پیروی می‌کند؟ و نهایتاً آیا سیاست کیفری اتخاذی از جامعیت لازم برای مقابله با این پدیده برخوردار است؟

مقاله حاضر پژوهشی اسنادی و مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، کتب، مدارک و تحقیقات به عمل آمده در خصوص قاچاق انسان می‌باشد و سعی شده محور اصلی کار بر علل و زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان و سیاست کیفری آن متمرکز شود و با تحلیلی مجدد از داده‌ها و نتایج تحقیقات گزارش شده توسط نویسندگان دیگر، به زبانی ساده و قابل فهم به این مهم که به اعتقاد نگارندگان در خصوص هر جرمی ارزش بحث دارد، پرداخته شده است.

یافته‌ها

زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان

در ایران از آن‌رو که حسب آموزه‌های اسلامی و فقهی، قاچاق انسان به‌منظور بهره‌کشی جنسی یا کار، و به‌طور کلی خرید و فروش انسان ممنوع است^۱ و می‌تواند حسب

۱. مثلاً پیامبر (ص) در ضمن حدیثی فرموده است: « قَالَ اللَّهُ تَعَالَى " ثَلَاثَةٌ أَنَا حَصَمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ عَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ خُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ » بدین معنی که



مورد از مصادیق فحشا و ترویج آن و مخالف کرامت و آزادی انسان قلمداد شود، برای مقنن ایران انگیزه لازم ایجاد گردید تا با توجه به تحولات و گزارش‌های بین‌المللی در مورد قاچاق انسان و تأیید آن توسط سازمان‌های دولتی (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۷۲) و گروه‌های بی‌طرف (سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۲: ۵۵-۶۰) با نگرش به آموزه‌های حقوق بشر و با در نظر گرفتن حیثیت جمهوری اسلامی ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان را در سال ۱۳۸۳ تصویب کند. در این راستا علاوه بر موارد فوق به‌عنوان زمینه‌های تصویب قانون جدید، نمی‌توان نقش رسانه‌های داخلی و فشار افکار عمومی را به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌ساز تصویب این قانون نادیده گرفت.

در خصوص نقش رسانه‌ها و فشار افکار عمومی باید بیان کرد که از سال‌ها قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ هر از چندگاهی در روزنامه‌ها و مجلات، مطالبی در خصوص خرید و فروش زنان و دختران ایرانی به‌صورت محدود و انگشت‌شمار به چشم می‌خورد (اشتری، ۱۳۸۵: ۵۵-۶۲) که بعضاً حتی توسط خانواده‌ها و سرپرستان آنها به دلایلی همچون فقر و اعتیاد انجام می‌شد^۱. اما در این زمینه آنچه بیشتر باعث شد مسئولین کشور به فکر تدوین قانون مستقل در مورد این جرم بیفتند؛ چندین گزارش با ابعاد گسترده‌تر بود، نخستین گزارش به اواخر دههٔ سال ۱۳۷۰ مربوط می‌شد که در آن از کشف یک شبکه قاچاق دختران ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس خبر می‌داد. در این باند زن‌هایی مشغول به کار بودند که با حضور در آرایشگاه‌های

پیامبر (ص) فرمودند: سه کس را در روز قیامت دشمن دارم: کسی که انجام تعهدی از من بپذیرد و در آن خیانت کند، کسی که روی انسان آزاد معامله کند و بهای آن را بخورد و کسی که از ادای حقوق کامل کارگری که او اجیر کرده، استنکاف نماید و دستمزد کامل او را ندهد.

۱. به‌عنوان مثال: در شماره ۱۲، صفحه ۹ از مجلهٔ زن روز، مطلبی با عنوان دخترفروشی از ماجرای حکایت می‌کرد که در آن زنی به نام کوچک خانم، توانسته بود دختری پانزده ساله را به‌نام رقیه از مادر بزرگش به بهای بسار ناچیز (صد تومان) خریداری کند و در جای دیگر او را به ده برابر قیمت بفروشد.

همچنین در سال ۱۳۴۳ در ماجرای دیگر پدری در ازای دریافت مبلغی ناچیز (دویست تومان و دویست مثقال تریاک) دو دختر ۱۰ و ۱۳ ساله خود را به فروش رساند.



زنانه، مهمانی‌ها، جشن‌ها طعمه‌های خود را از بین خانواده‌هایی که مشکلات مالی زیادی داشتند انتخاب می‌کردند و با وعده‌های واهی، در ازای پرداخت مبلغی به خانواده‌های آنها، با گذرنامه و رواید به صورت قانونی از مرزها عبور داده و در راستای اهداف پلیدشان از جمله بهره جنسی، استفاده می‌بردند (روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۱/۲۴). گزارش دوم مربوط به قاچاق ۶ دختر شیرازی بود که توسط قاچاقچیان به دومی منتقل شده بودند (همان). کشف این باند در واقع تلنگری به مسئولین بود و باعث شد تا مسئولین ضمن هشدار به خانواده‌ها برای مراقبت بیشتر از فرزندان‌شان، به فکر چاره‌ای در این خصوص باشند.

مورد سوم پرونده‌ای بود که به «پرونده قربانیان خاموش» مشهور شده بود. در این مورد، قاچاق دختران و زنان ایرانی به پاکستان با شیوه‌ای متفاوت نسبت به موارد گذشته، جرقه‌های نهایی را برای تصویب قانونی در این خصوص ایجاد کرد. در این پرونده گزارش شده بود که قاچاقچیان ۵۰ نفر از دختران ایرانی را در قالب ازدواج‌های صوری به پاکستان منتقل کرده و در آنجا به فروش رسانده‌اند. پس از کشف موضوع، ضمن مساعدت در بازگرداندن قربانیان به ایران، متهمان در مشهد محاکمه و به ۵ تا ۱۵ سال حبس محکوم شدند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۲/۵). اما سؤال اساسی اینجاست که باتوجه به فقدان مقرر خاص در خصوص قاچاق انسان، قاضی این پرونده بر چه مبنایی این حکم را صادر کرده است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت چون این جرم در دادگاه عمومی رسیدگی شده و با توجه به استناد قاضی به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی^۱ فهمیده می‌شود استفاده از مجازات آدم‌ربایی، راهکار قاضی پرونده قربانیان

۱. طبق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به‌هرمنظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برآید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.



خاموش در خلأ قانونی نسبت به قاچاق انسان بوده است.

قاچاق زنان و دختران ایرانی با توجه به فقدان مقررۀ مشخص در این خصوص روند رو به رشد داشت به طوری که در سال ۱۳۸۲ چهار مرکز فساد که به شناسایی و انتقال دختران به خارج از کشور می‌پرداختند، کشف و نابود شدند (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۲/۷/۷). پس از این ماجراها بود که سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران در پاسخ به پرسشی در خصوص این جرم اعلام کرد، با توجه به اینکه این پدیده باعث مخدوش شدن حیثیت کشور می‌شود لذا برای مقابله با آن در دستور کار ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص قرار گرفته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۲/۱۰/۱۶).

سرانجام پس از اینکه فشار رسانه‌ها و افکار عمومی به حداکثر خود رسید و این موضوع به یک نگرانی عمومی تبدیل شد، هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه لایحه‌ای را تحت عنوان لایحه مبارزه با قاچاق انسان در فروردین ماه ۱۳۸۳ مشتمل بر ۸ ماده تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد و دقیقاً در همان زمانی که این لایحه برای تصویب در مجلس مورد بحث و بررسی قرار داشت، خبر دیگری (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۳/۱۱) از قاچاق دختران منتشر شد^۱. این گزارش موجب برانگیخته شدن افکار عمومی شد و روند تصویب این قانون را تسریع کرد تا اینکه نهایتاً در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۸۳، قانونی تحت عنوان قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید.

حال پس از بررسی زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان باید دید قانون‌گذار چگونه به مبارزه با این پدیده پرداخته است و در راستای مبارزه با این جرم چه تدابیری برای برخورد با بزهکار و حمایت از بزه‌دیده پیش‌بینی کرده است؟ و با توجه به اینکه قانون تبلور نیازها و توقعات جامعه و قانون‌گذاری نشانه‌ای از توجه به این نیازها

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

۱. در این ماجرا ۵۴ دختر ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران پس از آشنایی با یک بانده قاچاق انسان از میان ۲۸۶ نفر انتخاب و جذب یکی از کشورهای شرکت‌کننده در نمایشگاه می‌شدند و برای بردگی جنسی، مورد استفاده‌های بعدی قرار می‌گرفتند.



و توقعات است. آیا نشانه‌هایی از توجه قانون‌گذار به فشار افکار عمومی به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌ساز تصویب این قانون در این مصوبه دیده می‌شود یا خیر؟ و اساساً افکار عمومی و رسانه‌ها چه تأثیری در سیاست کیفری اتخاذ شده توسط قانون‌گذار برای مقابله با این پدیده داشته است؟

شاخص‌های سیاست کیفری ایران در مبارزه با قاچاق انسان

واکنش عملی در قبال رفتاری که بیانگر ضدیت علیه ارزش‌های اساسی جامعه است، امری بدیهی می‌باشد و مهار پدیده بزهکاری و مبارزه با مباشران آن، که حیات و نظم جامعه را به‌خطر می‌اندازند، سابقه‌ای به قدمت جوامع بشری دارد (لازرژ، ۱۰: ۱۳۸۲). مطالعه زندگی بشر از گذشته تا به حال نشان می‌دهد که جرم و جنایت یک واقعیت اجتماعی تلخ همیشگی زندگی اجتماعی بشر است. با این وجود، تدابیر، برنامه‌ها و مواجهه‌های گوناگون و متفاوتی که بشر برحسب عقل، دین و تجربه خود با این پدیده داشته است هیچ‌گاه نتوانسته است خود را از آن آسوده سازد و شر آن را از سر خود دفع نماید؛ ضمن اینکه امروزه در اثر فراهم آمدن امکانات گوناگون برای ارتکاب جرم، ابعاد جرم رو به پیچیدگی و دامنه‌های آن رو به فزونی نهاده است، لذا مواجهه موفقیت‌آمیز با آن جز با گذر یک سیاست جنایی و کیفری دقیق، علمی و هدفمند امکان‌پذیر نیست.^۱

تنظیم سیاست کیفری مطلوب و منطقی، بدون شناخت قوانین گذشته و استفاده از تجربیات سایر کشورها و ملاحظه راه طی شده توسط مجامع بین‌المللی، میسر نیست.

۱. اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسيلم فون فوئر باخ (Anselm von Feuerbach) در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به‌کار برده شد. از نظر او سیاست جنایی «مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» می‌باشد. اما امروزه سیاست جنایی عبارت است از کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به‌کار برده می‌شود.



در این راستا یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند کیفری، مرحله تنظیم سیاست کیفری در قبال جرایم می‌باشد. این مرحله مشتمل بر وضع قوانین در خصوص جرایم و نوع پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. از این منظر، سیاست کیفری بیانگر دیدگاه‌ها و روش‌های اتخاذی از سوی مقنن به‌منظور کنترل جرم، حفظ نظم جامعه و حقوق افراد و دولت است (صالحی، ۱۳۸۷: ۳۶). با نگرشی کلی بر مصوبات بین‌المللی مخصوصاً پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ که به قاچاق انسان اشاره دارد، می‌توان دریافت که روح حاکم بر اسناد و تصمیم‌های فراملی و منطقه‌ای، اهتمام بر اجرای چند راهبرد عمده است که عبارتند از: جرم‌انگاری، پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان جرم و همکاری دولت‌ها در مبارزه مؤثر با جرم سوداگری انسان است (رزا، ۲۰۰۹: ۲۰۶). در این خصوص برخی از نویسندگان نیز در این زمینه بر این باورند که مبارزه با قاچاق انسان بر سه امر استوار است: پیشگیری^۱، تعقیب^۲ و حمایت^۳. اما مقنن ایران برای مقابله با این پدیده از چه راهکاری استفاده کرده و شاخص‌های مهم سیاست کیفری ایران برای مبارزه با این جرم چیست؟

الف) قاچاق انسان، جرمی علیه اشخاص یا امنیت عمومی؟

استفاده از واژه‌هایی همچون «فرد قاچاق شده، بزه‌دیده، فرد» در این قانون در نگاه اول نشان‌دهنده آن است که قاچاق انسان جرمی علیه اشخاص است؛ اما باید گفت این جرم در حقوق ایران، بر مبنای رویکرد امنیتی قانون‌گذار جرمی علیه امنیت ملی به‌شمار می‌آید (ذاقلی، پیشین: ۹۲). جرایم علیه امنیت عمومی، مجموعه جرایمی هستند که موجب وارد شدن خدشه به امنیت کشور اعم از امنیت داخلی یا خارجی می‌شوند. وارد کردن گروه‌های سازمان‌یافته در این حوزه و عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در برخی موارد تحقق این جرم که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد، این ایده را تقویت

1. prevention
2. prosecution
3. protection



کرده است که قاچاق انسان جرمی علیه امنیت تلقی شود؛ زیرا در برخی از موارد، فعالیت این گروه‌ها و قاچاق اتباع یک کشور چنان اهمیت می‌یابد که می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت یک کشور محسوب شود (همان: ۱۰۹).

ب) فرامرزی بودن جرم

مقنن ایران در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان به این جرم^۱ و با توجه به اهمیت موضوع در ماده ۲ به جرم‌انگاری اعمال در حکم این جرم^۲ پرداخته است. طبق ماده ۱ این قانون رفتار مجرمانه عبارت است از «خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت، تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد» که بر این اساس برای تحقق قاچاق انسان، باید ایران مبدأ یا مقصد قاچاق باشد. یعنی مقنن ایران تحقق جرم مذکور را منوط به آن دانسته که بخشی از رفتار ارتكابی در خارج از کشور واقع شود. طبق این تعریف، قاچاق انسان یک جرم فرامرزی است و نقل و انتقال اشخاص در داخل کشور به قصد اهداف مذکور، قاچاق محسوب نمی‌شود که علت پیش‌بینی این جرم به صورت جرمی فرامرزی یا به پیروی قانون‌گذار ایران از

۱. ماده ۱: قاچاق انسان عبارت است از:

الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

۲. ماده ۲: اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود: الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به‌طور سازمان‌یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.

ج - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به‌قصد فحشاء هرچند با رضایت آنان باشد.

پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو برمی‌گردد^۱ یا به گزارش‌های منتشر شده قبل از تصویب این قانون، که اکثراً به قاچاق زنان و دختران ایرانی به خارج از کشور اشاره داشتند و باعث شدند ذهن قانون‌گذار تنها معطوف به موارد فرامرزی قاچاق انسان شود؛ به‌هرحال عدم تسری تعریف قاچاق به نقل‌وانتقال اشخاص در داخل مرزها می‌تواند مورد انتقاد باشد زیرا همان‌طور که اشاره شد در کنار قاچاق اشخاص به خارج از کشور، چندین مورد قاچاق داخلی هم به چشم می‌خورد و از این لحاظ می‌توان گفت قانون مبارزه با قاچاق انسان از جامعیت لازم برخوردار نیست.

ج) نقش رضایت بزده‌دیده در تحقق جرم

در حقوق ایران آنچه مربوط به شخصیت انسانی است، مانند شرف و شخصیت اخلاقی را نمی‌توان به‌موجب قرارداد دو طرفه یا یک‌جانبه اسقاط کرد و یا به دیگری واگذار کرد، از این رو چنانچه قراردادی حتی با رضایت طرفین انجام شود که به این حقوق صدمه بزند باطل و از درجه اعتبار ساقط است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶). آیا رضایت به ارتکاب جرم^۲ و تراضی طرفین می‌تواند مجوزی برای زیرپا گذاشتن قواعد آمره باشد؟ آیا افراد می‌توانند با تراضی یکدیگر، ممنوعیت قماربازی و دوئل کردن را از بین ببرند؟ در پاسخ باید گفت از نظر منطقی، تقصیر و مسئولیت جزایی در صورتی می‌تواند منتفی شود که مجازات صرفاً برای حفظ منافع خصوصی تشریح و تأسیس شده باشد. در این صورت با وجود انصراف ذی‌نفع از حق خود، موردی برای تعقیب و مجازات متجاوز وجود ندارد؛ اما باید گفت که غرض از تأسیس و تشریح مجازات حفظ نظم و منافع و حقوق عمومی است، زیان‌دیده اصلی از جرم جامعه است نه فرد؛ بنابراین اصولاً رضایت مجنی‌علیه در تقصیر و مسئولیت کیفری نباید تأثیری داشته باشد (باهری، ۱۳۸۰: ۳۵۰).

۱. طبق ماده‌ی ۴ پروتکل، جرم قاچاق انسان زمانی مشمول تمهیدات مقرر در سند خواهد شد که ماهیت فراملی داشته باشد و توسط گروه‌های سازمان‌یافته فراملی ارتکاب یابد، بنابراین چنانچه قاچاق اشخاص، توسط یک یا دو نفر به‌تنهایی انجام گیرد مشمول مقررات پروتکل نخواهد بود.



حال باید دید رویکرد قانون‌گذار نسبت به این مهم در قانون مبارزه با قاچاق انسان که اکثر مصادیق آن به حقوق اساسی انسان مربوط می‌شود چیست؟
در خصوص رضایت بزه‌دیده باید گفت در ماده ۲ قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ دو حالت را از هم تفکیک کرده است:

فرض اول، عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده: اگر قاچاق به قصد فحشاء باشد و یا قاچاق به هر قصدی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد که در این دو حالت رضایت بزه‌دیده به کلی هیچ تأثیری در تحقق جرم ندارد و در هر حال جرم محقق می‌شود. به نظر می‌رسد علت عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در حالت اول یعنی قاچاق انسان به قصد فحشاء، به لحاظ قبح شدید فعالیت‌های جنسی نامشروع و بهره‌کشی جنسی در آموزه‌های اسلامی باشد.^۱
در خصوص عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در حالت دوم، یعنی ارتکاب جرم به صورت سازمان‌یافته، نیز به نظر می‌رسد چون خطرهای ارتکاب جرم توسط گروه‌های سازمان‌یافته بیشتر است، قانون‌گذار از طریق غیرمؤثر دانستن رضایت بزه‌دیده، با این پدیده مقابله کرده است (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

فرض دوم، تأثیر رضایت بزه‌دیده: ظاهراً رضایت بزه‌دیده در قاچاق به قصد برداشت اعضاء و بردگی و ازدواج اساساً موجب منتفی شدن وصف مجرمانه می‌شود و فقط چنانچه به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد رضایت بزه‌دیده تأثیری در تحقق جرم ندارد، ولی در حالت غیرسازمان‌یافته رضایت بزه‌دیده وصف مجرمانه عمل را از بین می‌برد. در این خصوص به نظر می‌رسد از آنجاکه در بسیاری از موارد قاچاق انسان، اولاً بزه‌دیدگان در ابتدا از سرنوشت شومی که در انتظار آن‌ها است ناآگاهند و با رضایت خود به قاچاق تن می‌دهند و پس از گرفتار شدن در چنگال قاچاقچیان نمی‌توانند از دام آن‌ها فرار

۱. مثلاً در سوره نور آیه ۲ آمده است: « وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ » یعنی هرگز درباره آنان (زناکار و زنا دهنده) در دین خدا رأفت و ترحم روا ندارید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.

همچنین در سوره اسراء آیه ۳۲ آمده است: « وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْأَةَ إِنْ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا. » یعنی به زنا نزدیک نشوید که کاری بس زشت بوده و بسیار راه بدی است.

کنند، ثانیاً اگر هم بزه‌دیده در جریان و فرایند قاچاق مورد سوءاستفاده قرار بگیرد رضایت اولیه‌ی وی نیز باطل است زیرا هیچ‌کس را نمی‌توان راضی به بردگی فرض کرد یا اینکه راضی شود در شرایطی شبیه به بردگی مورد استثمار قرار بگیرد. به عبارت دیگر؛ فرض قانون‌گذار این است که بزه‌دیده در صورت درک صحیح از توابع این جرم هیچ‌گاه تن به آن نمی‌داده است (اولادی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). همچنین همان‌طور که اشاره شد قاچاق انسان جرمی علیه اشخاص نیست که بحث رضایت بزه‌دیده در آن مطرح شود و در جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی رضایت مجنی‌علیه به کلی بی‌تأثیر است و به‌هیچ‌وجه ارتکاب جرم را توجیه نمی‌کند (مرادی، ۱۳۷۸: ۲۴۱). پس به نظر می‌رسد با توجه به اینکه عدم تعقیب قاچاقچیان به استناد این که بزه‌دیده در ابتدا به قاچاق رضایت داشته، موجب افزایش ارتکاب این جرم خواهد شد، لذا تمایز قائل شدن بین این دو فرض بلاوجه به نظر می‌رسد و بهتر بود رضایت بزه‌دیده در هر حال بی‌تأثیر تلقی می‌شد تا رضایت بزه‌دیده به‌عنوان دستاویزی برای دورزدن قانون توسط بزهداران استفاده نشود.

د) قاچاق انسان، جرمی مطلق یا مقید؟

اصولاً سوء نیت عام، اراده خودآگاه شخصی در ارتکاب رفتار مجرمانه، یا تعلق اراده فاعل به اجرای رفتار ممنوعه است. در جرم قاچاق انسان، سوءنیت عام مرتکب، عبارت است از: قصد مرتکب در منتقل ساختن بزه‌دیده از مرزهای کشور، قصد تحویل گرفتن یا قصد اختفای فرد یا قصد فراهم ساختن موجبات اخفای وی پس از عبور از مرز؛ به عبارت دیگر در خصوص تحقق سوءنیت عام قاچاق انسان کفایت مرتکب «خواست» در خارج ساختن، وارد ساختن، ترانزیت، تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی ساختن و... داشته باشد.

همچنین قاعداً سوءنیت خاص، قصد وقوع نتیجه و مترتب بر رفتار مرتکب است، صرف‌نظر از این که نتیجه در عالم واقع محقق شود یا نشود. بسته به نوع جرم، سوءنیت خاص نیز تفاوت می‌کند. سوءنیت خاص در جرم قاچاق انسان با توجه به مطلق بودن این جرم مدنظر قانون‌گذار نبوده به عبارت دیگر قاچاق انسان نیازمند احراز نتیجه خاصی نمی‌باشد چون تحقق قصد بهره‌کشی از بزه‌دیدگان شرط لازم برای تحقق جرم



قاچاق انسان عنوان نگریده است (اولادی، پیشین: ۴۴) و قصد بهره‌کشی جنسی از شخص در فعالیت‌های جنسی، قصد برداشت اعضا و جوارح، قصد بردگی و قصد ازدواج و ... همگی انگیزه‌های ارتکاب این جرم هستند که قانون‌گذار آنها را وارد عناصر متشکله جرم کرده است. در واقع، قانون‌گذار در این زمینه با جرم‌انگاری قاچاق انسان به‌صورت مطلق سعی در سختگیری بیشتر در این خصوص داشته است.

به‌هر تقدیر، انتقاد اساسی که در این زمینه می‌توان به قانون ایران وارد کرد این است که برخلاف پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو در سال ۲۰۰۰ که برای قاچاق انسان به‌صورت تمثیلی چندین نمونه از موارد شایع را به‌عنوان انگیزه و سوءنیت مرتکبین بیان می‌کند، مقنن ایران به‌صورت احصائی فقط انگیزه‌هایی را در خصوص قاچاق انسان مورد توجه قرار داده که از سیر گزارش رسانه‌ها و اخبار منتشرشده قبل از تصویب این قانون قابل پیش‌بینی بوده است. قانون‌گذار می‌توانست با جامع‌نگری بیشتر قانونی تصویب کند که علاوه بر اینکه پاسخگوی نیاز آن روزها باشد، موارد مشابهی را هم دربرگیرد، از جمله: قاچاق به‌منظور انجام تحقیقات نامشروع پزشکی و ژنتیکی، قاچاق به‌منظور به‌کارگیری افراد در جرایم حمل‌ونقل مواد مخدر و تولید و توزیع آن و قاچاق اطفال به‌منظور فرزندخواندگی برخلاف شرایط قانونی و ... در واقع، می‌توان گفت قانون‌گذار با این کار باعث شده قاچاقچیان با تحلیل اقتصادی ساده از میان انواع قاچاق، قاچاق انسان را ترجیح دهند چراکه مخاطرات این نوع قاچاق کمتر است اما سود حاصل از آن به‌مراتب بیشتر از انواع دیگر قاچاق است و اگر انسانی قاچاق شود بارها و بارها مورد استفاده قرار می‌گیرد (مخصوصاً در قاچاق به‌قصد فحشاء) و برای مدت طولانی سودآور خواهد بود اما در سایر انواع قاچاق به محض فروش مواد یا کالا عملیات به‌پایان می‌رسد و سودآوری قطع می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

۵) سیاست کیفری ایران در برخورد با بزه‌کار:

مواد ۳ تا ۵ قانون مبارزه با قاچاق انسان به مجازات مرتکب قاچاق در حالات مختلف اشاره کرده است. ماده ۳ این قانون با فلسفه وجودی قانون مبارزه با قاچاق

انسان معارض است^۱ چراکه طبق این ماده در هنگام رسیدگی، قاضی باید قبل از تعیین مجازات به بررسی این نکته بپردازد که آیا عمل مرتکب مشمول دیگر مواد قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد یا نه و تنها در صورتی که مشمول ماده‌ای از قانون مجازات اسلامی نشد طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان رأی صادر می‌کند. در حالی که هدف اصلی از وضع این قانون مبارزه جدی با قاچاق انسان بوده، قانون‌گذار بدون هیچ مبنایی در تعیین عنوان مجرمانه، اولویت را به احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی داده است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۷۷)؛ حتی در مواردی که عمل مرتکب منطبق با یکی از عناوین قانون مجازات اسلامی است و هم‌زمان قابل تطبیق با قاچاق انسان است، باید طبق قاعده تعدد معنوی اقدام می‌شد، نه این که قانون‌گذار صریحاً اولویت را به مواد قانون مجازات اسلامی بدهد (دبیرزاده، ۱۳۸۶: ۷۸). به نظر می‌رسد پیش‌بینی این امر، ترجیح بلامرجه عناوینی چون قوادی بر قاچاق انسان است که قانون‌گذار در عمل با نقض حکم تعدد معنوی، احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی را ثابت دانسته است.

۱- معاونت در قاچاق انسان: معاون در این جرم طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون

مبارزه با قاچاق انسان^۲ مجازات می‌شود؛ نکته مثبت در خصوص مجازات پیش‌بینی شده برای معاون جرم قاچاق انسان این است که قانون برای معاونت در این جرم، کیفر حداقل و حداکثری در نظر گرفته است^۳ که با توجه به میزان همکاری معاونین قابل

۱. ماده ۳: چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است محکوم می‌شود.

۲. تبصره ۳- مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود.

۳. طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان : مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود.



انطباق است. البته به‌عنوان یک قاعده کلی، معاونت در جرایم سازمان‌یافته از مشارکت در این جرایم منفک نمی‌شود و همه دست‌اندرکاران ارتکاب این جرایم به‌عنوان شرکای جرم مجازات می‌شوند (سلیمی، پیشین: ۳۴). بنابراین، شایسته بود در این قانون نیز مجازات معاونت در قاچاق انسان، به‌ویژه در مواردی که به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد، همانند مجازات مباشر تعیین گردد (همان: ۲۷۶).

۲- سمت دولتی مرتکب: طبق ماده ۴ داشتن سمت دولتی برای مرتکب، موجب تشدید مجازات وی خواهد شد. قانون‌گذار در این زمینه تلاش کرده از این طریق، هزینه ارتکاب جرم کارکنان دستگاه‌های دولتی، که نماینده دولت هستند و با ارتکاب جرم حیثیت دولت را خدشه‌دار می‌کنند، را بالا ببرد. پیش‌بینی این شرط می‌تواند عاملی بازدارنده در ارتکاب قاچاق از طرف این گروه باشد و از جمله مواردی محسوب می‌شود که در پروتکل نیز به آن اشاره نشده است. البته دیگر خصوصیات مرتکب، نظیر وظیفه سرپرستی و مراقبت شخص و سو استفاده از آن برای قاچاق نیز از جمله خصوصیات است که می‌توانست در تشدید مجازات مد نظر قرار گیرد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۲).

۳- میزان مجازات: یکی از چالش‌های مهم در این قانون میزان مجازاتی است که برای این جرم در ماده ۳ پیش‌بینی شده است^۱ و باعث ابهام و تردید در خصوص سیاست کیفری سختگیرانه مقنن شده است. میزان مجازات مقرر برای قاچاق انسان چه مبنایی دارد؟ و از چه الگویی پیروی می‌کند؟ طبق اصل ۴ قانون اساسی ایران^۲ کلیه قوانین و مقررات بدون هیچ استثنایی باید براساس موازین اسلامی تدوین گردد، اما به‌نظر می‌رسد مجازات مقرر با موازین شرعی انطباق ندارد، زیرا جرم مذکور از میان

۱. مجازات این جرم در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان پیش‌بینی شده است: ... حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه واموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده‌است، محکوم می‌شود.

۲. اصل چهارم قانون اساسی ایران: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها شورای نگهبان است.



عناوین مجرمانه در سیستم جزایی اسلام بیش از هر جرمی با عنوان افساد فی الارض منطبق می‌باشد چراکه برای افساد در زمین یکی از شرایط، گستردگی عمل است که در قاچاق انسان خصوصاً در مواردی که توسط باندهای بزرگ و به‌صورت سازمان‌یافته و فراملی می‌باشد، مشهود است و برای همین مجازات آن بسیار سنگین و تا سر حد قتل قرار داده شد است (فهرستی و سرچمی، پیشین : ۲۱۰). این مجازات برای مفسد فی‌الارض یک امر تعبدی محض نیست که عقل نتواند آنرا درک کند بلکه از جمله مسائل عقلانی است که حکم عقل نیز مبنی بر همین است که فردی که در زمین فساد ایجاد می‌کند و قابل اصلاح نیست باید از بین برود (بای، ۱۳۸۴ : ۳۶). از طرفی، اسلام خریدوفروش انسان‌ها را به‌مثابه کالا منع کرده و به‌شدت آن را نهی می‌کند و در حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شده است هم به این امر اشاره شده است. فتاوی فقها هم مبنی بر حرمت خریدوفروش انسان است که نه تنها از لحاظ تکلیفی حرام است بلکه از لحاظ وضعی نیز از صحت و نفوذ برخوردار نیست (علامه حلی، ۱۳۶۷ : ۱۶۴). همچنین ابوصلاح حلبی در خصوص مجازات شخصی که زن خود یا زن دیگری را می‌فروشد به‌دلیل افساد فی‌الارض حکم به قطع دستش داده است (حلبی، ۱۴۰۳ ق : ۴۱۲).

مجازاتِ درنظرگرفته‌شده برای قاچاق انسان نه تنها مبنای فقهی ندارد بلکه حتی با مقایسه‌ای ساده بین برخی از جرایم همچون کلاهبرداری، جعل، سرقت و قاچاق کالا و مواد مخدر^۱ و... با قاچاق انسان و با درنظرگرفتن مجازات‌های مقرر برای آنها درمی‌یابیم که مجازات مقرر برای قاچاق انسان به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند کافی باشد چراکه هرچند در جرایم فوق‌الذکر هم به نوعی حقوق انسانی نقض می‌شود، اما در قاچاق انسان این حقوق به‌طور فاحش‌تری نقض می‌شوند. لذا باید با مرتکبین آن به‌طور قاطع و بدون هیچ‌گونه سستی برخورد نمود چراکه مجازات ۲ تا ۱۰ سال حبس و جزای نقدی برای

۱. به عنوان مثال : طبق ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ : هرکس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و ... را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند؛ چنانچه بیش از سی گرم باشد، مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم را دارد.



این جرم، به نظر می‌رسد فاقد جنبه پیشگیرانه و سرکوبگرانه باشد.

ی) سیاست کیفری حمایتی از بزهدیده

شکست وسایل و نهادهای حقوق کیفری کلاسیک در امر مهار بزهکاران و عقب راندن موج بزهکاری، دانشمندان حقوق جزا را بر آن داشت تا با تحقیقات خود ماهیت و علل ارتکاب جرم را مطالعه کنند و راه‌های مؤثرتری را برای کنترل بزهکاری بیابند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۲۹۵-۲۹۳). یکی از تازه‌ترین و درعین حال مهم‌ترین موضوعاتی که در چند دهه اخیر در علوم جنایی به‌طور کلی و در علم جرم‌شناسی به‌طور خاص مطرح شده و مباحث زیادی را در پی داشته، موضوع بزهدیده و بزهدیده‌شناسی است. (پیکا، ۱۳۷۰: ۴۷) بزهدیده^۱ کسی است که خسارت قطعی یا آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آمده و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند (لپز و فلیزولا، ۱۳۷۹: ۹۶). اگر جرم‌شناسان پدیده مجرمانه را معلول عوامل زیستی، روانی و اجتماعی دانسته (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۷۱) و اگر خطر بزهکاری آن دسته از بزهکارانی که دارای حالت خطرناک بوده، استعداد و ظرفیت جنایی آنان زیاد و قابلیت انطباق آنان رضایت‌بخش نیست را بیش از سایرین می‌دانند (دانش، ۱۳۶۶: ۳۳۴)، بزهدیدگی نیز اغلب معلول عوامل مختلفی چون ضعف جسمی، عدم تعادل روحی و روانی، فقدان موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت محیطی بوده و میزان بزهدیدگی برخی از افراد به‌لحاظ ویژه‌گی‌هایی که دارند بیش از سایرین است. بنابراین می‌توان این گروه را بزهدیدگان مستعد و بالقوه آسیب‌پذیر معرفی کرد که این افراد انتخاب اول بزهکاران هستند (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۶). پس خطر بزهدیده شدن به‌طور مساوی بین افراد جامعه توزیع نشده است (ویانو، ۱۳۷۶: ۴۴۷). به قول ژرمی بنتام فردی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد، در عمل همچون یک اقتصاددان با سبک و سنگین کردن منافع و رنج‌هایی که ممکن است از جرم نصیبش شود، رفتار می‌کند، وجود افرادی آسیب‌پذیرتر از دیگران کم‌وبیش برای بزهکاران بالقوه^۲ مطلوب بوده و آماج و اهداف مناسبی برای

1. Victim

2. Potential offenders



آنها محسوب می‌شوند و از این طریق می‌توانند چه در مرحله شکل‌گیری اندیشه مجرمانه و چه در مرحله عملی کردن آن، موجب تسریع حرکت فرایند جنایی گردند. با توجه به اینکه اگر یک روی سکه را بزهکاری بدانیم، روی دیگر سکه را بزه‌دیدگی تشکیل می‌دهد و هرگونه تلاش در راستای کاهش بزه‌دیدگی افراد، منجر به کاهش بزهکاری نیز می‌شود. در پرتو یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی، سیاست جنایی افتراقی^۱ در پیشگیری از بزه‌دیدگی برخی افراد بالقوه آسیب‌پذیر نظیر زنان، کودکان و افراد حادثه دیده، مورد توجه قانون‌گذاران کیفری قرار گرفته است. حمایت‌های کیفری افتراقی یا ویژه از افراد فوق به واسطه جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزهکارانی که زنان و اطفال را بزه‌دیده اعمال خود قرار می‌دهند، شکل‌گیری یک سیاست کیفری افتراقی^۲ را نوید می‌دهد.^۳ اصولاً حقوق کیفری ماهوی برای حمایت ویژه از افراد بالقوه آسیب‌پذیر نظیر زنان و کودکان، معمولاً از دو سازوکار عمده سود می‌برد:

- جرم‌انگاری ویژه^۴ یا جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل: فرایندی است که به وسیله آن، رفتارهای جدید، مشمول قوانین کیفری می‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۷۶).
- تشدید کیفر بزهکارانی که بزه‌دیده را از میان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر انتخاب می‌کنند: هزینه کیفری ناشی از جرم، یکی از هزینه‌هایی است که بزهکار بالقوه در مرحله ترسیم «نقشه جنایی» و به فعلیت رساندن آن مورد توجه قرار می‌دهد. افراد آسیب‌پذیری نظیر زنان و کودکان به دلیل ضعف‌های جسمی،

1. Criminal policy differential

2. Penal policy differential

۳. سیاست جنایی افتراقی بر اتخاذ تدابیر و شیوه‌های ویژه و خاص پیشگیری و سرکوبی در قبال برخی پدیده‌های مجرمانه تأکید دارد. در چارچوب یک سیاست جنایی افتراقی است که پیشگیری از بزه‌دیدگی گروه‌های خاصی نظیر زنان، کودکان و سالخوردهگان مورد توجه ویژه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران قرار گرفته و سیاست کیفری افتراقی یکی از همین تدابیر ویژه است که با مقرر کردن حمایت کیفری ویژه از برخی اقشار آسیب‌پذیر نظیر زنان، سیاست پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان را دنبال می‌کند.

4. Special criminalization



اهداف مناسب و مطلوبی برای بزهکاران هستند، بدین ترتیب دارای جذابیت خاص برای بزهکاران بوده و ارتکاب جرم بر روی آنها خطر کمتری دارد و همین امر آنها را در معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار می‌دهد.

اما مقنن ایران از کدام شیوه در قوانین خود برای مقابله با قاچاق انسان استفاده کرده

است؟ و آیا در این راستا حمایت جامعی از همهٔ اقشار آسیب‌پذیر به‌عمل آورده است؟

قانون مبارزه با قاچاق انسان در ایران نخستین قانونی است که در مادهٔ ۳ آن واژهٔ «بزه‌دیده» به‌کار رفته است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۶). در این مصوبه، قانون‌گذار ایران از راهکار دوم استفاده کرده و از آن به‌عنوان یکی از ابزارها در راستای غیرجذاب ساختن اوضاع و احوال حاکم بر وضعیت ماقبل جنایی و بالابردن «بهای جرم» یاد کرده است. سازوکار تشدید، مجازات بزهکارانی است که بزه‌دیدگان آنها آسیب‌پذیرتر از سایر افراد جامعه هستند و از این طریق قانون‌گذار سعی کرده با ایجاد یک مانع بازدارندهٔ قوی فرایند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه را عقیم سازد و در طی طریق و حرکت فرایند جنایی اختلال ایجاد کند. اما قانون مبارزه با قاچاق انسان، از میان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر، طبق تبصره ۱ ماده ۳ فقط نسبت به افراد زیر ۱۸ سال سیاست افتراقی داشته و از آنها به‌نوعی حمایت به‌عمل آورده که براساس آن مرتکب به حداکثر مجازات مقرر می‌رسد البته حداکثر مجازات هم همان‌طور که قبلاً اشاره شد نمی‌تواند واکنش متناسبی با بزه ارتكابی باشد، اما آنچه در این زمینه ایرادی به سیاست کیفری قانون‌گذار در این قانون محسوب می‌شود، عدم اتخاذ سیاست افتراقی نسبت به زنان است. هرچند این جرم به جنسیت خاص محدود نمی‌شود اما می‌توان با توجه به آمار منتشر شده در این خصوص گفت که «بیشتر بزه‌دیدگان آن زنان هستند» (کایندی، ۲۰۰۶: ۳۲۹) و با توجه به ماهیت این جرم و گزارشاتی که از این جرم تا قبل از تصویب این قانون، در ایران منتشر می‌شد و در همگی آنها دختران و زنان قربانی اصلی این جرم بودند انتظار می‌رفت قانون‌گذار در کنار افراد زیر ۱۸ سال چتر حمایتی خود را همچون پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو نسبت به زنان هم می‌گستراند.

در سیاست کیفری ایران با وجود آنکه به‌صراحت در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین به‌عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه



پذیرفته شده است اما در قوانین و مقررات عادی ایران در این زمینه از جمله قانون مبارزه با قاچاق انسان در خصوص پیشگیری و اقدامات حمایتی تدابیری پیش‌بینی نشده است. حتی ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان که به تعیین وضعیت اموال درگیر در قاچاق پرداخته است بیان می‌دارد این اموال به نفع دولت ضبط خواهد شد که شاید مستند فقهی این حکم قانون‌گذار، اجماع فقها در موردی که بیع، اجاره و ... به‌منظور حرامی منعقد گردد اعتبار نخواهد داشت و از مصادیق اکل مال به باطل است (امینی و آیتی، ۱۳۷۸: ۱۷۵) و باید به عموم مسلمانان تعلق پیدا کند. البته در این زمینه بهتر بود در راستای حمایت از بزه‌دیده برخی از اموال با حصول شرایطی به وی مسترد می‌شد.^۱ به‌نظر می‌رسد در این زمینه قانون‌گذار اگر در خصوص قربانیانی که از روی اجبار، اکراه و یا تهدید در این وادی گرفتار شدند و دچار آسیب‌های مادی و معنوی شدند سیاست کیفری افتراقی اتخاذ می‌کرد و به‌عنوان حمایت و کمک به قربانیان بخشی از اموال قاچاقچیان را به نفع قربانیان ضبط می‌کرد، بهتر بود و بیشتر در راستای تحولات بین‌المللی در این خصوص گام برمی‌داشت. چراکه قربانیان قاچاق انسان در معرض شرایط غیرانسانی قرار گرفته و در نتیجه متحمل آسیب‌های روانی، جسمی و فیزیکی می‌شوند که آثار آن مدت‌های زیادی باقی خواهد ماند. این عواقب اغلب موجب تخریب شخصیت و هویت آنان می‌شود در نتیجه احساس حقارت کرده و با خود می‌اندیشند که دیگر در بین خانواده و بستگان هیچ جایگاهی ندارند. در این وضعیت قربانی در موقعیتی قرار می‌گیرد که بدون کمک و حمایت دیگران به‌راحتی نمی‌تواند وارد اجتماع شده و با دیگران ارتباط برقرار کند لذا نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه می‌باشد (بیابانی و محمودی، ۱۳۸۸: ۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه بشری از ابتدای شکل‌گیری خود، همواره با پدیده‌هایی روبه‌رو بوده است که گذشته از تهدید نظم عمومی و هنجارهای حاکم، کرامت و شئون انسانی را نیز بعضاً با

۱. ماده ۸: تمامی اشیاء، اسباب و وسائط نقلیه‌ای که عالماً و عامداً به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده‌اند به نفع دولت ضبط خواهد شد.



خطر مواجهه نموده است. قاچاق انسان به‌عنوان جرمی که در فرایند انجامش همچون پدیده بردگی، بسیاری از حقوق بنیادین و اساسی بزه‌دیده پایمال می‌شود، نقض حقوق بشر تلقی شده و امروزه روند رو به رشدی دارد. قاچاق انسان محل تلاقی حقوق بشر، حقوق کیفری، حقوق مهاجرت و حقوق کار است و این وجوه چندگانه، تنظیم سیاست کیفری و جنایی سنجیده و جامع را در مورد آن مشکل می‌کند. در ایران اولین قانون مستقلی که صریحاً به جرم‌انگاری قاچاق انسان پرداخته است، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ است که بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که نه تنها آموزه‌های حقوق بشر و اسناد بین‌المللی در تدوین این قانون، سهم برجسته‌ای را ایفا نمی‌کند بلکه توجه مقنن به خواست رسانه‌ها و افکار عمومی مبنی بر سختگیری در این زمینه هم به چشم نمی‌خورد. تنها اثر فشار رسانه‌ها و افکار عمومی بر این قانون، تسریع روند تصویب این قانون است که در چندین مورد این شتابزدگی باعث شده سیاست کیفری اتخاذی در این قانون با ابهام مواجه شود.

در این قانون میزان مجازات تعیین شده برای این جرم، با توجه به ماهیت این جرم به‌هیچ‌وجه عامل بازدارنده‌ای برای مرتکبین بالقوه نخواهد بود. همچنین تمهیدات و تدابیر ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان در قانون مزبور پیش‌بینی نشده است و تنها حمایتی که از بزه‌دیدگان شده محدود می‌شود به تشدید مجازات بزهکارانی که افراد زیر ۱۸ سال را آماج اهداف خود قرار می‌دهند که در این راستا هم برخلاف مصوبات بین‌المللی در این خصوص از زنان به‌عنوان قربانیان بالقوه آسیب‌پذیرتر هیچ حمایت ویژه‌ای به‌عمل نیامده است و خلأ آن با توجه به ماهیت جرم و اینکه این عمل مجرمانه اغلب با هدف بهره‌کشی جنسی از زنان است به‌شدت در این قانون احساس می‌شود.

در نهایت باید گفت در سیاست کیفری ایران برای مقابله با قاچاق انسان، تعقیب مرتکبین جرم تنها راهبردی است که فارغ از راهبردهای مؤثر دیگر همچون حمایت از قربانیان جرم، پیگیری شده و بدیهی است که توجه و تعمق بیشتر در آموزه‌های اسلامی و انسانی، بازنگری و اصلاح رویکرد مزبور را موجه می‌سازد زیرا در بسیاری از موارد امکان جمع بین آموزه‌های شرعی و حقوق بشر منتفی نیست اما این مهم نیازمند کنکاش و تعمق بیشتر و پرهیز از سطحی‌نگری است.



فهرست منابع

- قرآن کریم
- احمدی، عبدالله (۱۳۸۵)، *جرم قاچاق*، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
- اشتری، بهناز (۱۳۸۵)، *قاچاق زنان بردگی معاصر*، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- اولادی، حمید (۱۳۹۰)، *بررسی رکن معنوی جرم قاچاق انسان با نگاهی به اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- امینی، علیرضا و آیتی، سید محمدرضا (۱۳۷۸)، *تحریرالروضه فی شرح لمعه*، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- باقرپوریان، محمدحسین (۱۳۸۳)، *قاچاق انسان از دیدگاه حقوق بین‌الملل و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران مجتمع آموزش عالی قم.
- باهری، محمد (۱۳۸۰)، *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران، مجد.
- بای، حسینعلی (۱۳۸۴)، *مستندات فقهی جرم‌انگاری افساد فی الارض*، *مجله فقه و حقوق*، ش ۷.
- بیابانی، غلامحسین و محمودی، محمد جواد (۱۳۸۸)، *مهاجرت غیرمترعارف یا قاچاق انسان*، *فصل‌نامه جمعیت*، ش ۶۹.
- بیکا، جرج (۱۳۷۰)، *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷)، *جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران*، پایان‌نامه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ نهم.
- حبیب زاده، محمدجعفر و مقدسی، محمد باقر و جعفری دولت آبادی، عباس (۱۳۸۸)، *قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران*، *فصلنامه مدرس*، ش ۴.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ ق)، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، نشر مکتبه امیرالمومنین.
- دانش، تاج زمان (۱۳۶۶)، *مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟*، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول.
- دبیرزاده، الهه (۱۳۸۶)، *تحلیل حقوقی قاچاق انسان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه



- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ذاقلی، عباس (۱۳۸۹)، **قاچاق انسان**، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
 - رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، **بزه‌دیدة شناسی حمایتی**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
 - سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، **جنایات سازمان یافته بین‌المللی**، تهران، صدرا، چاپ اول.
 - سلیمی، صادق (۱۳۸۳)، **قاچاق اشخاص به‌عنوان یک جنایت سازمان یافته فراملی**، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۴.
 - سلیمی، صادق (۱۳۸۶)، **قاچاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری**، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۲۶.
 - صالحی، جواد (۱۳۸۷)، **سیاست کیفری و رابطه آن با سیاست جنایی**، دوماهنامه تعالی حقوق، ش ۲۵.
 - صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۴)، **حقوق مدنی اشخاص و محجورین**، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم.
 - علامه حلی (۱۳۶۷)، **تحریر الاحکام**، مشهد، نشر بی‌تا.
 - عمید، حسین (۱۳۶۲)، **فرهنگ فارسی عمید**، جلد دوم، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
 - کولایی، الهه (۱۳۸۶)، **عوامل و انگیزه‌های قاچاق انسان**، با تأکید بر آسیای مرکزی، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، ش ۴.
 - کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰)، **مبانی جرم‌شناسی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
 - فهرستی، زهرا و سرچمی، زیبا (۱۳۸۸)، **قاچاق انسان و بررسی آن از دیدگاه فقهی**، فصل‌نامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، ش ۲۲.
 - لُپز، ژارژ و فلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، **بزه‌دیدة و بزه‌دیدة شناسی**، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجد، چاپ اول.
 - لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
 - مردادی، حسن (۱۳۷۸)، **رضایت مجنی‌علیه در جرایم علیه اشخاص**، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
 - مقدسی، محمد باقر (۱۳۸۵)، **بررسی مسئله قاچاق انسان و شناسایی چالش‌های حقوقی آن**، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



- موثقی، سید احمد و اسفندیاری، گلپر (۱۳۸۷)، قاچاق انسان بردگی در عصر جدید، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۳.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۶)، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- ویانو، امیلیو (۱۳۷۶)، بزه‌دیدة شناسی، ترجمه نسرين مهرا، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۹-۲۰.
- Babara Crossette.(2000). **People trafficking on rise**, Warns UN NewYork Times, 26 June.
- Belser, Patrick.(2005). **Forced Labour and Human Trafficking: Estimating the Profits, International Labour**. Organization, Geneva: Ilopublication.
- Braspenning, Cindy. (2006). **Human Trafficking in the Netherland**, Intercultural Human Rights Law Review, Vol.1.
- Europol, **Trafficking in Human Beings in the European Union**, available at: www.Europol.Europa.Eu/ Publications /Serious_Crime.
- Raffaelli, Rosa. (2009). **The European Approach to the Protection of Trafficking Victims** , German Law Journal, 3.
- Smart, U. (2003). **Human trafficking: Simply a European problem?**, European Journal of Crime , Criminal Law and Criminal Justice , Vol.11, No. 2.
- Skrivankova, Klara. (2006). **Combating Trafficking in Human Beings**, International Review of Law Computers, 1 & 2.
- UNODC . (2009).**Global Report on Trafficking in Person**, Vienna.
- UNODC. (2009). **Trafficking In Persons; Analysis on Europe**, Vienna.
- www.GatWinter national. Org/ Protocol Janice G.Raymond, **Guide to the new protocol**.